



جوانه های امید
جلسه هم اندیشی معاون آموزشی (سرکار خانم یوسفی) با دانشجویان
محل به محل
بازی های بومی- محلی ایرانی (لافندبازی)
طنین خاموش
مصاحبه با عکاس خبری (جناب آقای اکبر توکلی)
کافه خبر
مصاحبه با استاد غفاری (استاد گرافیک)
رواق هنر
گزیدای از مقاله هنر محیطی (آلما و نیما قاسمی دهقی)
دلنوشته
تجربه های روزانه یک مادر عکاس (مونا قربان نژاد)



عکس: آلما قاسمی



سردبیر زهرا حمزه

ناظران و مدیران اجرایی سمیه یوسفی

آلما قاسمی دهقی

نیما قاسمی دهقی

نویسندگان آلما قاسمی دهقی

نیما قاسمی دهقی

مونا قربان نژاد

گزارشگر نگار ناصرزعیم

خبرنگار زهرا حمزه

ویراستار / طراح سوال آلما قاسمی دهقی

عکاس نگار ناصرزعیم

گرافیکست زهرا حمزه

محدثه عاشوری



جوانه های امید

جلسه هم اندیشی معاونت دانشکده خبر با نمایندگان دانشجویان

به گزارش خبرنگار زهرا حمزه معاونت آموزشی دانشکده خبر سرکار خانم یوسفی ضمن ابلاغ پیام خوشامدگویی رئیس دانشکده ، که این روزها متعهدانه و مجدانه بیش از پیش به فضای رفاهی و آموزشی دانشجویان توجه داشته و در همین راستا نیز اقدامات شایان ذکری نمودند. مواردی را از قبیل نوسازی فضای آموزشی اداری ، همچون : کتابخانه ، نمازخانه ، ساخت بوفه و فضای استراحت دانشجویان ذکر نمودند ایشان در ادامه نیز از فعالیت های آموزشی فرهنگی پیشرو بسان برگزاری نمایشگاه عکس دانشجویان ، نمایشگاه کارآفرینی و جشنواره عکس نوروزی خبر دادند سپس معاونت آموزشی از نمایندگان دانشجویان نظرات و پیشنهاداتشان را پیرامون مباحث آموزشی و رفاهی جویا شدند. نمایندگان رشته های (خبرنگاری ، روابط عمومی ، تدوین ، عکاسی ، گرافیک ، مترجمی زبان انگلیسی) نیز هر کدام به تفکیک ضمن قدردانی و تشکر از این جلسه همدلانه درخواست دانشجویان را به سمع و نظر ایشان رساندند.

در پایان معاونت دانشکده سرکار خانم یوسفی از نمایندگان دانشجویان برای شرکت و هم اندیشی در جلسه قدردانی نمود و خاطرنشان ساختند که همواره همچون گذشته معاونت آموزشی و تیم اداری دانشکده که شامل سرکار خانم روحی ، سرکار خانوم پورموسی ، جناب آقای سجودی و جناب آقای حیدری) همه روزه پذیرای حضور دانشجویان برای یاری رساندن به آنها بوده و خواهان مداومت چنین جلساتی در ماه های آتی نیز شدند.

نویسنده: زهرا حمزه





محله به محله ایران بازی های بومی - محلی ایران

(این قسمت: استان گیلان)



عکس: نگار ناصرزیم

جوانه درختان، بوی مدهوش کننده گل‌های صحرایی، جاری شدن آب جویبارها، ازدهام گردشگران و هیجان جست و خیز کودکان نوید فصلی نو و پدیدار گشتن بهار را می آورد. بر همین منوال سفرهای نوروزی نیز آغاز می شود. از آنجا که یکی از مناطق زیبا و سبز کشورمان، استان گیلان است. ورود مسافران نوروزی به این منطقه بسیار پر ازدحام است. یکی از ارکانی که هیچ گاه نباید به فراموشخانه تاریخ سپرده شود بازی های محلی - بومی هر منطقه است. پس به سراغ یکی از همین بازی های محلی - بومی استان گیلان به نام «لافندبازی» می رویم. پیشینه تاریخی این بازی به گذشته های دور باز می گردد. البته نمی توان کتمان نمود که ویژگیهای جغرافیایی و نوع زندگی اجتماعی در پیدایش این بازی بیتاثیر نبوده است. برای شروع این نوع سرگرمی؛ ابتدا پهلوان (که گاهاً خانواده وی نیز او را همراهی می کنند)؛ با ذکر دعا، حمد و ثنا به درگاه خداوند و ذکر مناقب مولای متقیان حضرت علی (ع) بر روی بلندی رفته و با حائل سازی چوبی که به منظور حفظ تعادل در دستانش قرار دارد، از روی ارتفاع بلند طناب عبور می کند، و سپس با حرکات مختلف نمایشی و سرگرم کننده به اجرای برنامه می پردازد. تمامی حرکات آکروبات روی طناب همگام با موسیقی شاد و هیجان انگیز محلی (سرنا و نقاره) است.

لافند بازی در فصل تابستان (اوایل تیر تا اواخر مرداد)، پاییز (مهر و آبان)، ایام نوروز، سیزده بدر و همچنین جشنها و اعیاد نیز برگزار میشود. لافند بازی اغلب در فضای آزاد و در میدان هر محل انجام میپذیرد. شیوه خبرکردن مردم مانند گذشته همراه با نواختن نقاره انجام میشود.

نویسندگان: آلیا قاسمی دهقی، نگار ناصرزیم



طنین خاموش

عکاسی که مددکاری را به حضور در نهائشگاه ها ترجیح داد



- پس با این حساب به دلیل دغدغه شغلیتون باید خاطرات تلخ و شیرین زیادی را از دوران عکاسی خبریتون تجربه کرده باشید، میشه به انتخاب خودتون برای خواننده هامون یکی از اونهارو تعریف کنید؟

من تصاویر زیادی از وضعیت زلزله زدگان و سیل زدگان کشورمان را در کارنامه کاری ام ثبت کردم. به خاطر دارم که در زمان وقوع سیل استان گلستان در سفر بودم و اگرچه مدیران خبرگزاری ایرنا درخواست نکرده بودند که برای ثبت تصاویر به محل وقوع سیل بروم اما با سرعت به تهران برگشتم، وسایلم را جمع کردم و به استان گلستان رفتم. آن روزها همه مسئولان برای رسیدگی به وضعیت سیل زدگان به آق قلا می رفتند، بنابراین اهالی رسانه نیز روی آن منطقه متمرکز شده بودند اما من به روستای خواجه نفس که در محاصره آب بود، رفتم و تصاویر آنجا را ثبت و منتشر کردم. گزارش من باعث شد که معاون اول رئیس جمهور وقت متوجه وضعیت ساکنان سیل زده روستای خواجه نفس شود و برای رسیدگی به وضعیت آنها مجدد به استان گلستان سفر کند. ساکنان روستای خواجه نفس اهل تسنن بودند و بابت گزارشی که منتشر کردم، خیلی از من تشکر کردند.



عکاس خبری که بعد از درک کردن نقش اجتماعی اش، ترجیح داد به جای حضور و مشارکت در نمایشگاه های عکاسی، روی عکاسی مستند اجتماعی تمرکز کند.

به گزارش خبرنگار زهرا حمزه: خبرگزاری ایرنا (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران) از سال ۱۳۹۸ تا سال ۱۴۰۰؛ مسئولیت سردبیری بخش عکس را برعهده مردی گذاشت که به گفته وی بسیاری از رخداد های مهم خاورمیانه و ایران را به تصویر کشیده است. اکبر توکلی متولد سال ۱۳۵۷ که از سال ۱۳۸۲ به عنوان گزارشگر و عکاس در مجله های خانواده سبز و هم میهن، و روزنامه های ایران و اعتماد فعال شد. او از سال ۱۳۸۶ به عنوان عکاس خبری (دائمی) وارد خبرگزاری ایرنا شد و هم اکنون در این خبرگزاری مشغول به کار است.

لذا به بهانه شناخت هر چه بیشتر ایشان در قالب یک مصاحبه صمیمانه پای صحبت های توکلی نشستیم تا از او بپرسیم چگونه وارد دنیای رسانه شده و چه زمانی تصمیم گرفت که یک عکاس خبری باشد؟

- جناب آقای توکلی گرامی ضمن عرض ادب و خوش آمدگویی لطفاً برای خوانندگان مجله دریچه خبر بفرمایید که چه زمانی تصمیم گرفتید یک عکاس خبری بشید؟

من به شدت به گزارش نویسی و کار خبری علاقه داشتم. بنابراین وارد کار خبر شدم و پس از مدتی به دلیل علاقه مندی به کار عکاسی، دوره های تخصصی عکاسی را گذراندم، مدرک گرفتم و کار عکاسی خبری را با گرایش مستند اجتماعی شروع کردم.

- تا به امروز به عنوان یک عکاس خبری چه پروژه های شاخصی را انجام دادید و به ثمر رسوندید؟

من تصاویری از جنگ داعش در عراق و سوریه را ثبت کردم و به یاد می آورم که در زمان ثبت یکی از این تصاویر، ۹ خمپاره در کنار پایم به زمین خوردند و حتی ترکش های آن هم به کوله پشتی ام اصابت کرد. البته خبر این اتفاق بعداً تحت عنوان (ماجرای عکاس ایرنا و خمپاره های داعش در تلعفر) منتشر شد.



- با وجود تمامی این خاطرات تلخ و شیرین بهترین اتفاقی که عکس هاتون رقم زد چه بود؟

- جناب آقای توکلی بزرگوار سپاس از اینکه وقتتون رو به مجله دریچه خبر و خواننده های ما اختصاص دادید، براتون همواره آرزوی صحت، سلامت و موفقیت های روز افزون دارم.

سپاس از شما و خوانندگان مجله دریچه، بسیار خرسند شدم از هم صحبتی با شما و خوانندگانتون.

- آقای توکلی در پایان اگر دوست دارید دریچه افکارتون رو برای مخاطبان ما باز کنید؛ چند کلامی رو به اونها اختصاص بدید.



- دوست دارم که خوانندگانتون بدونند من بعد از اتفاقاتی که نحوه رخ دادنشان را در اینجا برای شما عزیزان روایت کردم، به این نتیجه رسیدم که یک عکاس مستند اجتماعی، همین طور که وظیفه اطلاع رسانی را در جامعه داره، رسالتی نیز در جهت کمک به هموعان خودش بر عهده داره. در نتیجه من تصمیم گرفتم که به جای شرکت در نمایشگاه ها، روی مردم و تلاش برای رفع مشکلات آنها تمرکز کنم و قدم هایی هر چند کوتاه بردارم چرا که به قول سایمون سینک (Simon Sinek)، رویاهای بزرگ داشته باشید؛ با قدم های کوچک شروع کنید، مهم تر از هر چیز این است که شروع کنید.

ثبت تصاویری از وضعیت زندگی مردم استان سیستان و بلوچستان بخش دیگری از کار حرفه ای من به حساب می آید. به یاد می آورم که در جریان عکاسی از این استان، متوجه شدم که یکی از مدارس اجاره داده شده است و به همین دلیل بچه ها مجبور شده اند که در یک خرابه درس بخوانند. من گزارشی را با محوریت این موضوع تهیه و منتشر کردم. پس از انتشار گزارش مذکور، مسئولان امر به مسئله رسیدگی کردند و تعدادی از خیرین نیز ۲ مدرسه ۷ کلاسه را در منطقه مد نظر ساختند.



- با در نظر گرفتن تمام رخ دادهای زیبا اگر میشه کمی هم برای خوانندگانمون از دشواری های کار عکاسان خبری بگوئید.

عکاسان خبری با مشکلات متعددی دست و پنجه نرم می کنند، اما آنها عاشق کارشان هستند و مواجهه با مشکلات را به عنوان بخشی از کارشان قبول کرده اند. در اینجا باید بگویم که هنوز جایگاه عکاس خبری آنچنان که باید در جامعه ما تعریف نشده است و تعریف آن جایگاه با فرهنگ سازی است که ممکن می شود.

- چه پروژه ای را در پیش رویتان دارید؟
من هم اکنون در حال انجام یک پروژه شخصی درباره جاده ابریشم و اتفاقات رخ داده در آن جاده تاریخی هستم و میخواهم هر آنچه را که در این مسیر اتفاق افتاده است، در چهار بخش جنگ، تاریخ، اقتصاد و فرهنگ ثبت و به کتاب تبدیل کنم.



- بازخورد مردم از اجرای چنین طرحی آن هم در فضای شهری را چگونه دیدید؟

ما در بر جمعیت ترین شهر ایران زندگی می کنیم. این مشغله ها باعث شده است که سایه یکنواختی بر زندگیون گسترانیده بشود. به همین خاطر تخم مرغ های رنگی که هر ساله برای استقبال از بهار در خیابان ها و بوستان ها قرار می گیرند، رنگ را وارد فضای شهری می کنند. تخم مرغ ها و دیدنشان هر چند کوتاه و گذرا، برای ساکنان شهرمان بسیار شیرین و لذت بخش است. برخورد مردم همیشه جالب است تا جایی که حتی برخی از افراد، دوست دارند بدانند که چگونه می توانند در طرح رنگ آمیزی تخم مرغ های شهری شرکت کنند.

- به راستی مردم چگونه می توانند در طرح رنگ کردن تخم مرغ های شهری مشارکت کنند؟

هر سال در اواخر دی ماه یا اوایل بهمن ماه فراخوانی از سوی زیباسازی شهرداری تهران اعلام می شود. هنرمندان می توانند پس از مطالعه آن فراخوان، ۳ طرح را در مهلتی که مشخص شده، برای سازمان زیباسازی شهرداری تهران بفرستند. کارشناسان طرح ها را بررسی و اگر طرح هنرمندی تأیید و انتخاب شود و در نهایت آن هنرمند می تواند طرحش را اجرا کند.

استاد غفاری عزیز سپاس فراوان از اینکه موجبات این امر را فراهم کردید تا خوانندگان نشریه دریچه خبر ساعتی هر چند کوتاه را در کنارشان به خرمی بگذرانند.



عکس: سارینا خاکساری

کافه خبر

تخم مرغ های رنگی، رنگهایی که خاکستری های شهری را نیز زدودند.

به گزارش زهرا حمزه از تخم مرغ های رنگی بهار؛ بهتر است ابتدا از شناخت نهاد تخم مرغ شروع کنیم. تخم مرغ؛ نماد باروری، رشد و زایش خوبی هاست. سمبل شکوفایی و نمو در سال جدید است. ایرانیان از چند روز پیش از فرا رسیدن عید باستانی و ملی نوروز، تعدادی تخم مرغ رنگی را به رنگ های گوناگون رنگ آمیزی و بعضی را نقاشی و تذهیب می کنند. پس بر پایه این باور است که، در نوروز دستمایه هنرنمایی طراحان قرار می گیرد.

چنانچه چند سالی است که تخم مرغ های رنگی با تصمیم سازمان زیباسازی شهرداری تهران و با همت هنرمندانی چون سرکار خانم ایراندخت غفاری به خیابان های شهر آمده اند. تا نوید بخش فرارسیدن جشن بهار و خصوصاً نوروز باشند.

خانم ایراندخت غفاری یکی از اساتید دانشکده خبر است. وی در رشته گرافیک تحصیل کرده و دانشجویان بسیاری را تعلیم داده اند. ما در اینجا پای صحبت های خانم غفاری نشستیم، تا گپ و گفتی داشته باشیم.



- خانم غفاری چگونه همکاری با سازمان زیباسازی شهرداری تهران را شروع کردید و چه شد که در طرح رنگ کردن تخم مرغ های شهری مشارکت کردید؟
اولین همکاری من با سازمان زیباسازی شهرداری تهران، شرکت در ورکشاپی بود که از سوی این سازمان برگزار شد. که پس از شرکت در این ورکشاپ، فراخوان های دیگر سازمان زیباسازی شهرداری تهران را دنبال کردم و تا به امروز نیز به صورت سالانه یکی از مجریان طرح رنگ کردن تخم مرغ های شهری برای استقبال از بهار هستم.

- به طور معمول شما در کار رنگ کردن تخم مرغ های شهری از چه سبکی بهره می برید؟

سبک های نقاشی من، اکسپرسیونیسم و امپرسیونیسم هستند. در واقع کار هنرمندانی چون ونسان ون گوگ را خیلی دوست دارم. زیرا آنها حس و انرژی شان را با قلمشان بیان می کنند. در گرافیک اما از مینیمالیسم بهره می گیرم و همیشه سعی می کنم با کمترین طرح، بیشترین منظور را برسانم.

- شنیدیم که امسال دانشجویان نیز هم در اجرای طرح رنگ کردن تخم مرغ های شهری مشارکت داشتند. اگر ممکنه مقداری در مورد این موضوع توضیح بدهید.

خوشبختانه امسال دانشجویانم در اجرای طرح رنگ کردن تخم مرغ شهری همراه من بودند و وجودشون دلگرم کننده و انرژی بخش بود. همراهی دانشجویان در پروژه ها این انگیزه رو در آن ها نمایان میکنه که می تونند در فردای نزدیک خودشون تحولی عظیمی رو رقم بزنند. در کل همیشه همکاری با جوانان پر انرژی برای من بسیار لذت بخش است.



تعامل میان هنر، مکان و مخاطب با توجه به نقش ساختاری آن در هنر محیطی
ارائه و چاپ در کنفرانس بین المللی فرانسه - موناکو

نیما قاسمی دهقی

باشگاه پژوهشگران جوان، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

nima_action_f@yahoo.com

آلما قاسمی دهقی

باشگاه پژوهشگران جوان، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

alma_ghasemi@yahoo.com

چکیده

بی تردید محیط زیست در دنیای حاضر ضرورتی پُر اهمیت است و حفظ و نگهداری از آن نیز مسئولیتی است که همواره بر عهده تک تک افراد جامعه گذاشته شده که هنرمندان نیز از این امر مستثنی نمی باشند. هنر محیطی از شاخه های هنر نوینی است که سعی دارد تا با برقراری ارتباط میان مخاطب و طبیعت در مکان های متفاوت؛ زنگ خطرهای زیست محیطی را به شهروندان مستقر در مکان های مختلف جهان گوشزد کرده، تا بلکه مخاطبان در رویارویی مسالمت آمیز با چنین فجایی، مانع از پدیدار گشتن مجدد آنها شود. در این راستا این پژوهش بر آن شد تا تأثیر هنر محیطی را بر مخاطب و مکان زندگی وی مورد بررسی قرار داده تا به واسطه این امر تعامل زیستی آنان را در ارتباطی اشتراکی به تعاملی پایدار به لحاظ زیست محیطی برساند. روش انجام این پژوهش ماهیتی توصیفی-تحلیلی داشته و شیوه گردآوری اطلاعات نیز بر مبنای کتابخانه ای صورت پذیرفته. برآیند نهایی آنکه چنانچه هنرمند عرصه هنر محیطی از مکان های متفاوت شهری به عنوان بوم طراحی خویش سود جوید؛ خواهد توانست تا مخاطبان را در تعاملی پویا جهت حفظ و نگهداری محیط زیستشان نگاه دارد. تا بلکه با ایجاد چنین حس مطلوبی آینده غامضانه فرزندان آنان را برای زیست در چنین مکان هایی کمی بی رنج تر سازد.

واژگان کلیدی: مخاطب، محیط، شهر، مکان، هنر محیطی

- مقدمه

بی تردید در قرن حاضر دغدغه حفظ و نگهداری محیط زیست، آن هم با در نظرگیری چالش هایی چون دگرگونی و تغییرات اقلیمی بر عهده تک تک افراد یک جامعه می باشد؛ که هنرمندان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. هنر همواره زینت بخش و تجلی گاه معنا در محیط و مکان های متفاوت است، در نتیجه پیوندی که میان این دو عرصه انجام می پذیرد می تواند هنر محیطی را تشکیل دهد که در شکل گیری محیط نقش مهمی ایفا می کنند، که فضای زیستگاه انسان نیز جزء لاینفک هویت برای هنرمند است، آن هم در عصری که چه از منظر واتسوجی تنسور و ۱ آن را عصر فضا نامیدند. عصری که در برداشت رایج به رابطه میان انسان و محیط اشاره و بر آن تأکید دارد. «مستغنی، ۱۳۸۳» اما هنر محیطی معمولاً از ارزش های جامعه سرشار است. هنرمندان همواره تلاش کردند که بازتاب طبیعت را در آثار هنری خود به صورت های گوناگون ارائه کنند. «قلعه، ۱۳۹۳» برای معرفی هنر محیطی باید گفت: «هنر زمینی ۲ که بسیاری آن را در معنای هنر محیطی و به جای آن نیز به کار می برند، محصول بلا واسطه دهه ۶۰ است و هنر محیطی ۳ با اندکی تغییر در دیدگاه و مصالح مورد استفاده در دهه ۷۰ به بار می نشیند. اصطلاح هنر محیطی توسط بسیاری از صاحب نظران به صورت یک اصطلاح فراگیر به کار می رود؛ به گونه ای که اکو آرت ۴ اکولوژیکال آرت ۵، هنر زمینی یا هنر خاکی ۶، اکوونشن ۷، هنر اعاده ۸، زیر چتر خود می گیرد. «قلعه، ۱۳۸۹» هنر محیطی از نیمه قرن بیستم در بازتاب حرکت توجه به موضوعات زیست محیطی با تمرکز بر اثرات رابطه بین انسان و طبیعت ۹ آغاز شد. در نتیجه هنر محیطی را می توان این گونه بیان نمود: هنر محیطی شامل تعدادی از جنبه های بصری بسیار ناهمگون است که باعث می شود آیه طوری امتداد پیدا کند تا در برگیرنده فضای اطراف خود باشد.



- پیدایش و شکل گیری فضا

« باید در نظر داشت که اولین تلاش‌ها برای ارائه تعریفی از مفاهیم فضا و مکان، مربوط به حوزه فلسفه بوده و توسط افلاطون و ارسطو ارائه شده است؛ از آن دوره تا به امروز تعاریف متعدد و گاه متضادی از این مفاهیم در حوزه‌های مختلف علمی، فلسفی و هنری ارائه شده است. واژه مکان، از دو واژه لاتین (platea) و واژه یونانی (platia) به معنای خیابان ریشه گرفته است. در حالت اسمی، مکان به یک موقعیت یا نقطه خاصی با کیفیت ویژه ابلاغ می‌شود که می‌تواند در یک محل عینی مانند شهر، خیابان و ساختمان، یا محل ذهنی مانند تاریخ، ریاضیات و خانه وجود داشته باشد. [در حالت فعلی] مهمترین معنای واژه مکان رخ دادن است، که ارتباط تنگاتنگ آن را با بودن و وجود داشتن نشان می‌دهد. [در معنای کاربردی آن] مکان، جایی است که به واسطه اشغال انسان معنا یافته است. اما مکان علاوه بر آن با ویژگی‌ها و ارزش‌های انسانی نیز آمیخته شده است. «در رویکردی دیگر این گونه می‌توان بیان نمود که مکان فضایی است که برای فرد یا گروهی از مردم واجد معنی باشد این تعریف به صورت (مکان = فضا + معنی) بیان می‌شود. (harrison&dourish,1996) ادوارد رلف ۱۰ نیز بر این اعتقاد است که «مکان، ترکیبی است از جا، منظر، آیین، مسیر، افراد دیگر، تجربه شخصی، اهمیت دادن و پاسداری از کاشانه و زمینه‌ای برای دیگر مکان‌ها. او بر این عقیده است که فهم مکان می‌تواند منجر به احیاء و نگهداری مکان‌های موجود و خلق مکان‌های جدید گردد.» (relp,1976)

- تبیین بن‌مایه‌های مکانی

بر اساس مطالعات جان پانتر ۱۱ و دیوید کانتر ۱۲، طبق تصویر (۱) چهار شاخصه ساختاری و مکانی را برشمرند که عبارت است از: مفاهیم، فعالیت‌ها، مناسبات اجتماعی و ویژگی‌های کالبدی. «(فلاحت و شهیدی، ۱۳۹۴)



تصویر (۱) برداشت کلی از تعاریف ارائه شده مکان به وسیله دیوید کانتر و جان پانتر

بر این اساس، مؤلفه‌های پیشنهادی او نقش‌های اجتماعی یا به عبارتی نقش محیطی، نقشی که فرد در محیطش دارد. تفاوت میان برهم کنش‌های مردم با پیرامونشان را نسبت به یکدیگر تعریف می‌کند. نقش محیطی نه تنها بیانگر تفاوت‌ها و تمایزهای اجتماعی است که فرد را به مکان پیوند می‌دهد، بلکه بر ارزیابی‌های، انتظارات و تصورات مردم نیز تاثیر می‌گذارد.



- پیوند هنرمحیطی و مکان به عنوان عرصه ارائه هنر محیطی

آموس راپاپورت ۱۳ معتقد است درحالی که هنرمندان و طراحان می‌کوشند جنبه‌های ادراکی مردم از محیط را تجزیه و تحلیل کنند؛ مردم بیشتر از تداعی‌ها لذت می‌برند. (عظمتی، ۱۳۹۳) هنر محیطی نیز از این امر مستثنی نیست، از آنرو پیدایش هنری زیست محیطی خواهد توانست، بر ادراک ذهنی شهروندان یک منطقه یا کشور چنان تأثیر گذاشته که بخواهند همان احساس را نیز نسبت به محیط زیست جهان‌شان تجربه کنند؛ تا بلکه نسبت به محیط پیرامونشان نیز احساس تعلق داشته و در جهت ارتقای کیفیت زیست محیطی خویش همواره کوشا باشند. به هر روی اگر مکان‌های شهری را در فضاهای مختلف شهری، بوم اجرای هنرهای محیطی در نظر بگیریم؛ به گونه‌ای اجتناب ناپذیر شاهد برقراری ارتباط و آشتی میان محیط زیست با طیف‌ها و طبقات گوناگون اجتماعی در مکان‌های متفاوت شهری و زیست محیطی خواهیم بود. بدین جهت اگر جای مکان‌های شهری را چونان بومی برای ارائه آثار هنری در نظر بگیریم، عرصه هنر محیطی مکانی وسیع و غیر قابل تصور برای آویختن این آثار خواهد بود.



عکس: James-brun



- نتیجه گیری

هنرمندان همیشه در تلاش اند تا به قلمروهای تازه دست یابند و آنان را تجربه کنند، تا بلکه روشهای ارائه جدیدی را به اقتضای هنر پدید آورند. از سویی دیگر جوامع هر روزه در حال پیشرفت و نوآوری است، این انتظاری است که مخاطبان هنری نیز از جامعه هنری طلب می‌کنند. هنرمند امروزه نیازمند ایجاد محیطی است که حاجات مخاطبانش را فراهم آورد. هنر محیطی نیز از این گونه هنرهاست. برآیند نهایی این تحقیق آنکه با توجه به شکل گیری مدنیت در جامعه شهری، هنرمند محیطی نیاز دارد تا برای تسهیل در برقراری تعامل مخاطب با طبیعت او را نیز سهیم سازد. هنر محیطی دیدی نوآورانه از رابطه انسان با طبیعت در برابر دیدگان ما قرار داده. از آن رو که راهکارهای نوینی برای همزیستی با محیط اطراف در اختیار مخاطب خویش قرار داده. ناپذیر در این پژوهش به این مهم دست یافتیم که به علت سه بعدی بودن هنر محیطی و شکل گیری آن در مکان‌های متناوب شهری و برون شهری، مخاطب عضویت پیوسته و جدایی ناپذیر محسوب می‌شود، از آن رو که می‌توان در آن قدم گذاشته، حرکت کند و در عین حال نیروی بساوایی خویش نیز استفاده کند، امکان آن می‌رود که حس آشنا و همزاد پنداری در این هنر بسیار به چشم می‌خورد. فی الواقع در هنر محیطی عنصر غایب طبیعت است و این سری مثل محیط، فضا، مکان و..... ابزارهای خلق این هنر را تشکیل می‌دهند، در واقع رسالت هنر محیطی هشدار به مخاطبانی است که محیط زیست شان را به لحاظ به ورطه فراموشی سپرده اند. آثار محیطی غالباً در پیوند ترکیبی با درختان موجود در طبیعت، سنگ‌ها، برق‌ها و..... ساخته می‌شود. از آن رو هنرمند از فرم طبیعت بهره جسته و از آن در جهت خلق مفهومی تازه استفاده می‌کند. اینجاست که مکان برای هنرمند نقش چهارچوب و طبیعت نقش بوم را ایفا میکند. اینجاست که هرگاه به درخت یا حوض آب وسط میدان یا تندیس با بطری‌های شیشه‌ای یا پلاستیکی چشم می‌اندازیم هنر محیطی را خواهید یافت که حرفی برای بیان کردن دارد.

- منابع داخل متن:

مقاله منبع	فارسی	انگلیسی
یگ نویسنده	(عظمتی، ۱۳۹۳) (رقعه، ۱۳۸۹) (فتاحیان مقدم، ۱۳۸۳) (سنجلی، ۱۳۸۳) (مورغلائی، ۱۳۹۵)	(Relph, 1976)
دو نویسنده	(فلاح‌ت و شهبازی، ۱۳۹۴)	(Harrison and Dourish, 1996)



دلنوشته

تجربه های روزانه یک مادر عکاس (مونا قربان نژاد)

بعد از بابا خیلی تلاش کردم سرگرم چیزی جدید بشم، فقط بابا رو از دست نداده بودم، مفهوم زندگی رو از دست داده بودم. بچه ی شش ماهه ای داشتم که باید بخاطرش سریا میشدم، دنیا شبیه روزای قبلش نبود.

زود ازدواج کرده بودم و قرار بود بعدش درسو بخونم، چند واحد از درسهای دبیرستانمو گذرونده بودم که این اتفاق افتاد، تا چند سال درگیر بچه داری و افسردگی و ... بودم. چند وقت یکبار میرفتم چندتا واحد دبیرستانو پاس میکردم و بعد از چندسال بالاخره دیپلمم رو گرفتم!

همه چیو امتحان میکردم تا ببینم چیو دوست دارم، بعضیاشونو خیلی زود ول میکردم بعضیارم دیرتر ولی نقطه ی مشترک همه ی اون کارا این بود که من ترکشون میکردم!

از طریق یکی از دوستانم با انجن شاعران آشنا شدم ونوی مراسم شب شعر و نقد شعرا شرکت میکردم، یکی از بچه های اونجا همیشه از عکسام تعریف میکرد، پسر من تازه به دنیا اومده بود و همه از عکسایی که ازش میگرفتم تعریف میکردن، عکس از گل و در و دیوار و خیابون میگرفتم بقیه بهم میگفتن: تو به چه چیزایی دقت میکنی! تازه فهمیدم هنر عکاسی رو دوست دارم. و آنروز فهمیدم اگر نقطه ی اشتراک تمام کارهایی که انجام دادم ترک کردنشون بود پس حتما حکمت خدا یه دلیلی داشته عکس گرفتنو دوست داشتم اما حیف که قدرت خرید دوربینو نداشتم.

چند سالی با گوشی عکس میگرفتم تا یه سال عیدی یه دوربین کادو گرفتم، اولین عکسایی که گرفتم هم سر همون سفره هفت سین و تو جمع خونواده بود. هر عکسی که گرفتم انتقال دادم به هارد غیر از اون دوتا عکس که اولین عکسای دوربین بود و همیشه توش نگهش داشتم، انگار لذت دیدن اون عکس باعث میشد که یادم بیاره یه زمانی چقدر دوست داشتم یه دوربین حتی معمولیشو داشته باشم، همینها باعث میشه که همیشه قدر اون دوربینو بیشتر بدونم!

بعد که دوربینمو گرفتم یه مدت با جمع بچه هایی که تور عکاسی میرفتن رفتم و عکس گرفتم، بعد احساس کردم باید آکادمیک یاد بگیرم، تصمیم گرفتم برم دانشگاه!

میدونستم با دوتا بچه مدرسه ای، روزای سختی در انتظارمه اما انتخاب کردم که این راهو هر طور شده برم. خصوصا از اونجایی که دخترم گفت مامان دمت گرم آفرین رفتی درس بخونی، پس فهمیدم راه و درست اومدم!

تو مدتی که درس خوندم علاقم به عکاسی بیشتر شد اما دغدغه هامم بیشتر شد ...

امسال عید فکر هام و کرده بودم و برنامه هاش رو چیده بودم ...

قرار بود ۱۳ روز عید رو بی دغدغه هرروز به خیابون برم و عکاسی کنم، میخواستم بعد از تعطیلات دست پر پیش اساتید برگردم صبح روز اول عید شد؛ که خب احترام به بزرگتر واجب است و دیدن پدر و مادر از اوجب واجبات... با خودم میگم: حالا امروز و اختصاص میدم به خونواده از فردا صبح میرم دنبال عکاسی.

فردا صبح خروس خون وقتی همه خوابن بیدار میشم، کوله و دوربین رو آماده میکنم میرم لباس بپوشم که صدای سرفه ی ماهان میاد، میرم بالا سرش میبینم تب داره با خودم میگم اشکال نداره باباش هست دیگه مواظبش! ماهان چشماشو باز میکنه و میخواد دستمو بگیره، بغلش میکنم و با خودم میگم پیشش بمونم فردا میرم عکاسی... دو روز کامل میمونم خونه که حالش خوب خوب بشه.

روزای بعدش درگیر مهمونی و مامان تنهام نذار و منم میام و تکالیف عید بچه ها و قراره مهمون بیاد شدم ... یه روز دیگه گفتم هرچور شده میرم، بیدار موندم تا هوا روشن بشه تا هوا روشن شد زدم بیرون گفتم امروز باید اندازه همه ی این روزا عکس بگیرم. خیابونا خلوت بود و به نظرم همه جا تهی بود از سوژه، انگار من عادت داشتم تو شلوغی خیابونا وقتی با عجله از مطب دکتر و دانشگاه و مدرسه ی بچه ها برمیگشتم همه جا رو نگاه کنم و یه سوژه ی واسه عکس پیدا کنم بعد زمان برام آروم بشه و بایستم و عکس بگیرم و بعد دوباره زندگی بره رو دور تند و برم به کارام برسم...

فکر میکنم دنیا برای مادرا دقیقا رو دور تنده، حتی وقتی تو تعطیلات همه کارارو کردی و همه جا مرتبه همه لباسها تمیزه و همه خوابن، باز عجله داری واسه کلی کار نکرده....



دانشکده علمی کاربردی واحد خبر برگزار می کند:

عکس هفتم

فراخوان عکاسی دانشجویی

محورهای مسابقه:

گردشگری

آیین و سنت های نوروزی اقوام ایرانی
طبیعت

مراسم استقبال از بهار

دبیر اجرایی:

سمیه یوسفی

داوران:

آلما قاسمی دهقی، ایراندخت غفاری میاب

کامین عباسی پیانی، نیا قاسمی دهقی

نحوه ارائه آثار:

فرمت jpg و با رزولوشن 300 و

حداکثر چهار اثر

جوایز:

به نقرات برگزیده هدایا تعلق می گیرد

مهلت ارسال آثار:

ششم اردیبهشت

هزار و چهارصد و دو

انجمن علمی دانشجویی عکاسی و گرافیک برگزار می کند

ویژه نامه فصل بهار، شماره ۱



دانشگاه جامع
علمی کاربردی